



تقدیم به

شهادای حادثه کشتی سانچی



## مقدمه

حتماً این جمله را شنیده‌اید: کار را که کرد، آن که تمام کرد. الان که شما دارید این مقدمه را می‌خوانید در یکی از مهم‌ترین دوران کنکورتان یعنی دوران جمع‌بندی هستید و این آخرین مرحلهٔ ماراتن نفس‌گیر سال‌های تحصیل شما است. این دوران خیلی خیلی مهم است چون باید بتوانید مطالبی را که در طول این چند سال خوانده‌اید به بهترین نحو جمع‌بندی کنید. خیلی خوشحالم که در آخرین لحظات کنکورتان من در کنار شما هستم و با همدیگر می‌توانیم این مرحله را به بهترین شکل ممکن پشت سر بگذاریم.

در این کتاب با در نظر گرفتن وقت محدود شما بعد از تعطیلات نوروز، تلاش شده است از زیاده‌گویی و ارائهٔ نکات بدون فایده پرهیز شود و مطالب مورد نیاز داوطلبان کنکور، با قلمی روان و دسته‌بندی منحصراً به فرد ارائه گردد.

### ترتیب دسته‌بندی مطالب کتاب

#### ◀ ساعات ۱ تا ۸ (گرامر):

به دلیل این‌که رویکرد موضوعی برای دوران جمع‌بندی مناسب است، در این بخش از کتاب هم، مباحث گرامری کتاب‌های درسی سال دهم، یازدهم و دوازدهم به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند تا بتوانید مطالب مرتبط با هم را در یک‌جا مرور و جمع‌بندی کنید.

علاوه بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت این ساعات مطالعاتی، دسته‌بندی بر اساس اهمیت آن مباحث در کنکور است.

#### ◀ ساعات ۹ تا ۱۸ (واژگان):

از ویژگی‌های منحصراً به فرد این کتاب، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که برای اولین بار در ایران، لغات کتاب‌های درسی بر مبنای اهمیت آن‌ها در کتاب درسی و کنکور دسته‌بندی شده‌اند. برخلاف

همه کتاب‌های موجود در بازار که صرفاً یک فهرست الفبایی از لغات هر درس ارائه می‌دهند، در این کتاب، لغات بر مبنای اهمیت آن‌ها در کتاب درسی و کنکور دسته‌بندی شده‌اند. در بخش واژگان کتاب، علاوه بر این که معانی دقیق و کامل تمامی لغات کتاب‌های درسی ارائه شده است، برای تمام لغات مثالی در قالب جمله آورده‌ام تا بتوانید لغات را به شکل مؤثرتری یاد بگیرید و با کاربرد آن‌ها در جمله آشنا شوید.

#### ◀ ساعات ۱۹ و ۲۰ (کلوزتست):

در این دو ساعت، ۱۰ کلوزتست منتخب کنکورهای سراسری با تغییر در گزینه‌ها و... و هماهنگ ساختن آن‌ها با کنکور نظام جدید و به صورت سطح‌بندی شده آورده‌ام. در حاشیه‌های کلوزتست درسنامه جامع و در عین حال جمع و جوری را ارائه دادم که بتوانید با خواندن آن، هر چیزی را که برای جواب دادن به سؤالات کلوزتست نیاز دارید، یک‌جا یاد بگیرید.

#### ◀ ساعات ۲۱ تا ۲۳ (درک مطلب):

همانند بخش کلوزتست، درس‌نامه‌ها را در حاشیه ریدینگ‌ها آموزش داده‌ام که با یادگیری آن‌ها علاوه بر آشنایی با گونه‌های (تیپ) مختلف سؤالات درک مطلب، استراتژی‌های متن‌خوانی را نیز فرا خواهید گرفت. در این بخش ۱۶ متن استاندارد از کنکورهای اخیر به صورت سطح‌بندی شده آورده‌ام که منبع کامل و مطمئنی برای تمرین درک مطلب است.

#### ◀ ساعت ۲۴ (آزمون جامع):

در آخرین ساعت مطالعاتی چند آزمون از کنکورهای ۹۹ آورده‌ام تا شرایط کنکور کاملاً برای شما بازسازی شود.

### مشاوره درمانی

در طول این ۲۴ ساعت، مانند یک مشاور دلسوز همراهمان خواهیم بود و در بخش‌های مختلف و هر جا که نیاز باشد، یا نکاتی را به شما گوشزد می‌کنم یا یک مشاوره درست و حسابی می‌دهم. این هم یکی دیگر از ویژگی‌های بی‌نظیر این کتاب است که در هیچ کتابی نیست.

### پیوست‌های کتاب

- ◀ در بخش اول پیوست‌های کتاب، مهم‌ترین لغات خارج از کتاب را داریم. همان‌طور که می‌دانید این لغات علاوه بر این که بخش قابل توجهی از لغات بخش‌های درک مطلب و کلوزتست را تشکیل می‌دهند، گه‌گاه به صورت مستقیم در بخش واژگان نیز مورد سؤال قرار می‌گیرند.
- ◀ در بخش دوم، پیشوندها و پسوندهای مهم کتاب درسی را آورده‌ام که بسیار کمکتان می‌کند و کاربردی است.
- ◀ در آخرین بخش پیوست‌ها نیز فهرست افعال بی‌قاعده را داریم. تسلط بر افعال بی‌قاعده برای پاسخ‌گویی به چندین نوع از سؤالات گرامری ضروری است.

#### ◀ اگر وقتتان برای کنکور محدود است:

- ۱ اگر برای درس زبان انگلیسی فقط ۶ ساعت وقت دارید، فقط ساعات مطالعاتی ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۰ و ۱۱ را بخوانید.
- ۲ اگر ۱۲ ساعت وقت دارید، ساعات مطالعاتی ۱ تا ۱۲ را بخوانید.
- ۳ اگر ۱۸ ساعت وقت دارید، ساعات مطالعاتی ۱ تا ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ را بخوانید.
- ۴ اگر ۲۴ ساعت وقت دارید، پس بهتر است همه کتاب را بخوانید و خیالتان را از درس زبان انگلیسی به طور کلی راحت کنید. مطمئن باشید که فقط و فقط با خواندن همین یک کتاب، می‌توانید در کنکور به درصد عالی در درس زبان انگلیسی برسید.

#### تشکر ویژه از

- مدیر محترم انتشارات مهروماه، جناب آقای احمد اختیاری که باز هم به من اعتماد کردند و مسئولیت نوشتن چنین کتاب مهمی را به من دادند.
- از تمامی اعضای خانواده‌ام که سال‌هاست من را کم دیده‌اند، چون یا در حال تألیف هستم و یا در حال تدریس.
- احسان عرب و سارا ذبیحی، دو یار و یاور همیشگی من، با این که فرسنگ‌ها از من دور هستند.
- سرکار خانم سمیه حیدری، مسئول تألیف و ویراستار علمی کتاب.
- محسن فرهادی مدیر واحد هنری، تایماز کاویانی طراح گرافیک و حسین شیرمحمدی طراح جلد و آخرین تشکر من را تقدیم می‌کنم به کسی که تنهایی‌ام هرگز حس تنها شدنش را تنها نگذاشت.

لبخند بر لبانتان جاری

حمیدرضا نوربخش

# فهرست



۷

گرامر (Grammar)



۶۷

واژگان (Vocabulary)



۱۹۵

کلوزتست (Cloze Test)



۲۰۷

درک مطلب (Reading)



۲۳۹

آزمون جامع



۲۵۵

پیوست





## زمان‌ها

**مشاوره** مبحث زمان‌ها به صورت پراکنده در سال‌های دهم و یازدهم و دوازدهم آورده شده است ولی شما باید همه آن‌ها را کنار هم و به صورت موضوعی یاد بگیرید تا در جلسه کنکور به مشکل برخورد نکنید. در این بخش هر آنچه را که کتاب درسی گفته است و هر چیزی را که مد نظر طراح کنکور است، با وسواس بسیار زیادی و به دور از شاخ و برگ‌های اضافی آورده‌ام، پس خیالتان راحت باشد که این درس‌نامه‌ها و تست‌ها عصاره کاملی از زمان‌هاست که با خواندن آن می‌توانید از عهده هر تستی بر بیایید. این مبحث، پیش‌نیاز مجهول‌ها نیز هست.

### زمان آینده (درس ۱ سال دهم)

تا صحبت از زمان آینده می‌شود، ذهنمان به سراغ ”be going to / will“ می‌رود. این دو ساختار، نکته‌ها و تفاوت‌های بسیار زیادی دارند، اما در سطح کنکور، شما فقط با چند کاربرد از این زمان‌ها سرو کار خواهید داشت. پس لطفاً متنه به خشخاش نگذارید و بیهوده دنبال نکات اضافی و به درد نخور نگردید.

#### will

ساختارهای will به شکل زیر هستند:

خبری	فعل ساده + will + فاعل
مخفف	فعل ساده + 'll + فاعل
منفی	فعل ساده + will + not + فاعل
مخفف منفی	فعل ساده + won't + فاعل
سؤال منفی	...? + فعل ساده + فاعل + will

#### کاربردهای will:

##### ۱ تصمیم‌گیری لحظه‌ای:

e.g I'm thirsty. I'll buy a drink.

من تشنه هستم. یک نوشیدنی خواهیم خرید.

##### ۲ پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی:

e.g I believe he will pass the exam.

من باور دارم که او امتحان را قبول خواهد شد.

##### ۳ قول دادن، پیشنهاد دادن:

e.g Don't worry. I'll do it for you.

نگران نباش. من آن [کار] را برای تو انجام خواهم داد.

e.g I'll give you a discount if you buy it right now.. اگر الان آن را بخری، به تو تخفیف خواهم داد.

##### ۴ درخواست کردن، رد درخواست:

e.g Will you come for dinner on Saturday?

آیا روز شنبه برای شام می‌آیید؟

e.g My kids won't listen to anything I say.

بچه‌هایم به هر چیزی که من می‌گویم گوش نخواهند کرد.

##### ۵ امور حتمی در آینده:

e.g The sun will rise tomorrow.

فردا خورشید طلوع خواهد کرد.

**be going to**

ساختارهای **be going to** به شکل زیر هستند:

خبری	فعل ساده + <b>am/is/are + going to</b> + فاعل
منفی	فعل ساده + <b>am/is/are + not + going to</b> + فاعل
سؤالی	<b>Am/Is/Are + going to</b> + فاعل + ...?

**کاربردهای be going to**

۱ تصمیم‌گیری با قصد و برنامه‌ریزی از قبل:

**e.g** I'm going to look for a new place to live next month.

من قصد دارم دنبال یک مکان جدید برای زندگی کردن در ماه آینده بگردم.

۲ پیش‌بینی بر اساس شواهد:

**e.g** The sky is very black. It's going to snow.

آسمان خیلی تیره است. برف خواهد آمد.

**Type 1** I think Ali ..... the job. He has a lot of experience.

**تست**

- 1) getting                      2) won't get                      3) will get                      4) is going to get

پاسخ گزینه «۴»

**ترجمه** من فکر می‌کنم علی آن شغل را خواهد گرفت. او تجربه‌های زیادی دارد.

**ذهن‌خوانی طراح** برای پیش‌بینی بر اساس نظر شخصی از **will** استفاده می‌کنیم. در این تست به خاطر وجود فعل **think** قبل از نقطه چین، می‌توانیم بفهمیم که فرد بر اساس نظر شخصی خودش می‌گوید که علی شغل را به دست خواهد آورد و به همین دلیل از **will** استفاده می‌کنیم.

**زمان گذشته استمراری (درس ۳ سال دهم)**

قبل از این که گذشته استمراری را یاد بگیرید، باید گذشته ساده را بلد باشید.

**یادآوری** زمان گذشته ساده برای اشاره به عملی به کار می‌رود که در گذشته شروع و تمام شده است.

**e.g** He went to the cinema last night.

او دیشب به سینما رفت.

ساختارهای زمان گذشته استمراری به شکل زیر هستند:

خبری	فعل + <b>was/were</b> + فاعل + <b>ing</b>
منفی	فعل + <b>was/were + not</b> + فاعل + <b>ing</b>
سؤالی	<b>Was/Were + فاعل + فعل + ing + ...?</b>

**کاربردهای گذشته استمراری**

۱ هرگاه عملی در زمان گذشته در حال انجام شدن بوده و عملی آن را قطع کرده باشد، از گذشته استمراری برای عمل طولانی‌تر و از گذشته ساده برای عمل کوتاه‌تر استفاده می‌کنیم.

**e.g** The children were doing their homework when I got home.

وقتی که من به خانه رسیدم بچه‌ها در حال انجام دادن تکالیفشان بودند.



- 15. The picture painted by the child was so fantastic that even great painters wondered if she ..... it without any help.** (هنر ۹۸)
- 1) had painted      2) was painted      3) have painted      4) would paint
- 16. A: "There is a good movie on TV tonight."  
B: "Yes, I know. I ..... it."**
- 1) am going to watch      2) will watch  
3) was watching      4) watch
- 17. A: "What would you like to drink, sir?"  
B: "I ..... have a glass of milk, please."**
- 1) has      2) had      3) will      4) would
- 18. Mr. Thomson has just received an offer for a job but he ..... what to do about it yet.** (تجربی ۹۸)
- 1) didn't decide      2) hadn't decided  
3) hasn't decided      4) won't decide
- 19. A: "What's in the newspaper today?"  
B: "I don't know. I haven't read it ..... ."**
- 1) since      2) for      3) ever      4) yet
- 20. A: "Where was Danna last night?"  
B: "I'm not sure. I think she ..... her family."**
- 1) was visiting      2) visited      3) will visit      4) is visiting
- 21. A: "Oh, you ..... the door open."  
B: "Really? I ..... and shut it."**
- 1) have left / go      2) leave / will go  
3) have left / am going to      4) have left / will go
- 22. I ..... a game of tennis with Mike when Sue ..... .** (هنر ۹۲)
- 1) had finished / arrived      2) finished / had arrived  
3) have finished / arrived      4) finished / has arrived
- 23. Someone ..... him when he ..... in his observatory.**
- 1) killed / was working      2) was killing / worked  
3) killed / worked      4) was killing / was working
- 24. One of my friends has been teaching in Tokyo ..... three years. I haven't met him ..... last year.**
- 1) for / since      2) since / for      3) for / for      4) since / since



کاربرد **can** (توانستن):

۱ بیان توانایی انجام کاری در زمان حال یا آینده:

e.g I can speak Spanish.

من می‌توانم اسپانیایی صحبت کنم.

۲ اجازه گرفتن یا اجازه دادن:

e.g Can I open the window?

می‌توانم پنجره را باز کنم؟

۳ درخواست کردن:

e.g Can you wait a moment, please?

می‌توانید چند لحظه منتظر بمانید، لطفاً؟

**Type 1** When people get the flu; they ..... visit a doctor.

1) can

2) may

3) must

4) shouldn't

تست

پاسخ گزینه «۳»

ترجمه وقتی مردم آنفولانزا می‌گیرند، باید دکتر را ببینند.

ذهن‌خوانی طرح چون در این تست با یک اجبار روبه‌رو هستیم، باید از must استفاده کنیم.

## اسم مصدر (درس ۲ سال یازدهم)

اگر به انتهای یک فعل ing اضافه کنیم، به آن فعل ینگ‌دار می‌گوییم و وقتی در نقش اسم به کار می‌رود، آن را اسم مصدر (gerund) می‌نامیم، مثل: studying, walking, ...

◀ کاربردهای اسم مصدر:

۱ در نقش فاعل:

اسم مصدر به عنوان فاعل جمله می‌تواند در ابتدای جمله بیاید.

e.g Swimming is useful for everyone.

شنا کردن برای همه مفید است.

فعل مفرد اسم مصدر در نقش فاعل

e.g Cycling and jogging are my favorite sports.

فعل جمع

دوچرخه‌سواری و آهسته دویدن ورزش‌های مورد علاقه من هستند.

⚠ حواست باشه که ۱ بعد از اسم مصدر، فعل مفرد می‌آید.

۲ اگر دو اسم مصدر فاعل جمله باشند، بعد از آن‌ها فعل جمع می‌آید.

۲ در نقش مفعول:

بعد از افعالی که در جدول زیر آمده‌اند، اسم مصدر به کار می‌رود:

enjoy	لذت بردن	finish	تمام کردن
give up	ترک کردن، دست کشیدن	imagine	تصور کردن
keep on	ادامه دادن	practice	تمرین کردن
quit	دست کشیدن	love	دوست داشتن

۳ بعد از حروف اضافه:

بعد از حروف اضافه without, with, by, from, of, at, in, on, ... اسم مصدر به کار می‌رود.





### جمله‌های معلوم و مجهول

اگر جمله‌ای با فاعل شروع شود به آن جمله، جمله معلوم می‌گوییم. به این مثال دقت کنید: «حمید ویلا را تمیز کرد.» همان‌طور که می‌بینید در این مثال، جمله با فاعل (حمید) شروع شده است و یک جمله معلوم است.

e.g Hamid cleaned the villa.

مفعول فعل فاعل

اگر در جمله‌ای ندانیم فاعل چه کسی بوده و یا برایمان مهم نباشد بدانیم فاعل کیست و یا این که مفعول مهم‌تر باشد، باید از جمله مجهول استفاده کنیم.

برای ساختن جمله مجهول، مراحل زیر را انجام می‌دهیم:

۱ فاعل جمله را حذف می‌کنیم.

۲ مفعول را به جای فاعل می‌آوریم.

۳ با توجه به زمان جمله از ساختار مناسب «to be + p.p.» استفاده می‌کنیم.

مجهول مثالی که در بالا خواندید، به‌صورت زیر است:

e.g The villa was cleaned.

مفعول فعل مجهول

**حواست باشه که** ساختار مجهول به شکل زیر است:

مفعول + فعل متعدی + فاعل = ساختار جمله مجهول

این جدول را باید قاب بگیرید، چون خیلی مهم است، پس باید آن قدر این جدول را بخوانید تا ملکه ذهنتان شود.

زمان	ساختار مجهول	مثال
حال ساده	am / is / are + p.p.	The house is cleaned. خانه تمیز می‌شود.
گذشته ساده	was / were + p.p.	The house was cleaned. خانه تمیز شد.
حال کامل	have / has + been + p.p.	The house has been cleaned. خانه تمیز شده است.
گذشته کامل	had + been + p.p.	The house had been cleaned. خانه تمیز شده بود.
حال استمراری	am / is / are + being + p.p.	The house is being cleaned. خانه دارد تمیز می‌شود.
گذشته استمراری	was / were + being + p.p.	The house was being cleaned. خانه داشت تمیز می‌شد.
افعال وجهی can/could/ may) must/should/ (will/be going to/	can / could ... + be + p.p.	The house must be cleaned. خانه باید تمیز شود.



76. There is a very difficult questions, so it cannot ..... so easily within a short time. (هنر ۹۴)

- 1) answer                      2) be answered                      3) to be answered                      4) have answered

77. The new high quality models of sunglasses are going to ..... in our factory next year. (تجربی ۹۴)

- 1) be produced                      2) be producing                      3) produced                      4) produce

78. A: "Do many people speak foreign language here?"

B: "Yes, Spanish ..... by a lot of people here."

- 1) has spoken                      2) speaks                      3) is spoken                      4) spoke

79. A: "Did you have to wait a lot for your dinner?"

B: "No, It ..... before I got there."

- 1) had been prepared                      2) had prepared  
3) prepared                      4) was being prepared

80. Penicillin, for instance ..... quite accidentally when Alexander Fleming ..... on bacteria.

- 1) was discovered / was working                      2) was discovered / was worked  
3) discovered / was working                      4) discovered / worked

81. The fire finally ..... under control, but only after extensive damage ..... (زبان ۹۳)

- 1) got / had been caused                      2) had gotten / had been caused  
3) got / has been caused                      4) had gotten / was caused

82. These clothes ..... for daily use so you ..... them wherever you want.

- 1) design / should be worn                      2) will be designed / must wear  
3) are designed / can wear                      4) designed / might be worn

83. If you would like to know what ..... in the project so far, you ..... the full report at our website.

- 1) has been completed / may be found  
2) completed / will be found  
3) will be completed / have been found  
4) has been completed / can find

84. Thomas Edison, who was the inventor of the light bulb and the phonograph, ..... (انسانی ۹۷)

- 1) was too stupid believed by his teacher to learn  
2) to learn by his teacher was too stupid to believe  
3) believed to be too stupid to learn by his teachers  
4) was believed by his teachers to be too stupid to learn

85. There is no clear evidence stating where and when football ..... , but most historians agree that some type of ball game had been played centuries before the modern game developed in England. (انسانی ۹۹)

- 1) invented                      2) was invented                      3) was inventing                      4) would be invented

### صفت‌های کمی قبل از اسم‌های قابل شمارش جمع (درس ۱ سال یازدهم)

این صفت‌ها در جدول زیر آمده‌اند:

few (خیلی کم)	We have few books.	ما کتاب‌های خیلی کمی داریم.
a few (چند تا، تعدادی)	He has a few dollars left.	برای او چند دلار باقی مانده است.
some (مقداری / تعدادی)	I need some pens.	من چند تا خودکار احتیاج دارم.
many (زیاد)	I haven't many books in my library.	من تعداد زیادی کتاب در کتابخانه‌ام ندارم.
how many (چند تا؟)	How many eggs do you need?	چند تا تخم مرغ لازم دارید؟
a lot of (خیلی، زیاد)	We need a lot of computers.	ما کامپیوترهای زیادی نیاز داریم.
lots of (خیلی، زیاد)	We need lots of computers.	ما کامپیوترهای زیادی نیاز داریم.

**⚠️ حواست باشه که** ۱) a few (تعدادی، چندتا) به جمله، بار معنایی مثبت می‌دهد و few (خیلی کم) به جمله، بار معنایی منفی می‌دهد.  
 ۲) a lot of و lots of هیچ فرقی با هم ندارند.

### واحدهای شمارش اسامی غیرقابل شمارش

برای شمردن اسم‌های غیرقابل شمارش از واحدهای قابل شمارش که در جدول زیر آمده‌اند، استفاده می‌کنیم.

bottle	بطری	cup	فنجان
glass	لیوان	bag	کیسه
piece	تکه	slice	تکه
kilo	کیلو	loaf	قرص (نان)

e.g I bought five loaves of bread. من پنج قرص نان خریدم.

e.g He drinks eight glasses of water every day. او هر روز ۸ لیوان آب می‌نوشد.

### اعداد و نکات آن (درس ۱ سال یازدهم)

۱) با اسم قابل شمارش مفرد، a/an/one می‌آید.

a/one man, an/one umbrella

۲) از عدد ۲ به بعد، اسم‌ها به صورت جمع به کار می‌روند.

two girls, five chairs, ...

۳) از عدد ۲۱ تا ۹۹ باید بین یکان و دهگان خط تیره بگذاریم.

twenty-one, thirty-six, ..., ninety-nine



## صفت‌ها از نظر مقایسه (درس ۲ سال دهم)

وقتی که می‌خواهیم صفت را از نظر مقایسه دسته‌بندی کنیم، سه حالت به وجود می‌آید:  
**۱** برابری **۲** تفضیلی **۳** عالی

### صفت برابری

برای بیان این که دو نفر یا دو چیز در یک صفت و قید با هم برابر هستند، ساختار زیر را به کار می‌بریم:

as + قید / صفت + as

e.g Lions are as dangerous as tigers. شیرها به اندازه ببرها خطرناک هستند.

e.g Mahnaz isn't as beautiful as Sanaz. مهناز به اندازه ساناز زیبا نیست.

### صفت تفضیلی

هرگاه بخواهیم دو نفر یا دو چیز را مقایسه کنیم و یکی از آن‌ها در آن صفت، برتر از دیگری باشد، از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم. ساختارهای زیر را یاد بگیرید:

صفت تفضیلی = er + than + صفت تک‌بخشی

e.g Karoon is longer than Atrak. کارون از اترک طولانی‌تر است.

صفت تفضیلی = than + صفت دوبخشی یا بیشتر + more

e.g This car is more beautiful than that car. این ماشین از آن ماشین زیباتر است.

### صفت عالی

هرگاه بخواهیم یک نفر یا یک چیز را در کل مجموعه مقایسه کنیم، از صفت عالی استفاده می‌کنیم. ساختارهای زیر را به حافظه خود بسپارید.

صفت عالی = est + صفت تک‌بخشی + the

e.g Karoon is the longest river of Iran. کارون طولانی‌ترین رودخانه ایران است.

صفت دوبخشی یا بیشتر + the most

e.g This car is the most beautiful car in our city. این ماشین زیباترین ماشین در شهر ماست.

**حواست باشه که** صفت‌های دوبخشی که به y ختم می‌شوند، برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی، در انتهای خود «er» و برای صفت عالی، در انتهای خود، «est» می‌گیرند و باید y را به i تبدیل کنیم.

صفت عالی	صفت تفضیلی	صفت دوبخشی با حرف آخر y
happiest	happier	happy

**حواست باشه که** شکل تفضیلی و عالی بعضی از صفت‌ها از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند و باید آن‌ها را حفظ کنید.



۶۹. گزینه «۴» الف: «ما مدیر خود، مدیر او، دستیار، یک مشاور و رئیس IT (فناوری اطلاعات) را درگیر این پروژه کردیم، و این پروژه در حال تبدیل به یک شکست کامل است (دارد کاملاً شکست می‌خورد)»

ب: «خب، بالأخره، آشپز که دو تا شود، غذا یا شور می‌شود یا بی‌نمک!»

۱) کیبوتر با کیبوتر باز باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز  
۲) کار نیکو کردن از پر کردن است

۳) دو عقل بهتر از یک عقل است

۴) آشپز که دو تا شود، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک

۷۰. گزینه «۱» وقتی به ورزشگاه رسیدیم، بازی کنسل شده بود.

مفعول فعل cancel (کنسل کردن) بعد از نقطه‌چین نیامده، بنابراین، جمله مجهول است (حذف گزینه‌های ۲ و ۴). چون زمان جمله قبل از نقطه‌چین گذشته است، گزینه ۳ نیز حذف می‌شود.

۷۱. گزینه «۱» ویلیام شکسپیر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان در تاریخ ادبیات انگلیسی، شناخته می‌شود.

با توجه به ترجمه، جمله مجهول است و چون زمان جمله حال است باید از مجهول حال ساده استفاده کنیم.

۷۲. گزینه «۳» مرد اصول (الفبای) رانندگی را نمی‌داند. تعجب می‌کنم که چرا باید به او اجازه داده شود ماشین را برود.

allow یک فعل دومفعولی است که مفعول آن بعد از نقطه‌چین نیامده، بنابراین جمله مجهول است، فقط گزینه ۳ ساختار مجهول دارد.

۷۳. گزینه «۳» وقتی باران شروع شد، مسابقه توسط جمعیت بزرگی داشت تماشا می‌شد.

مفعول فعل watch (تماشا کردن) بعد از نقطه‌چین نیامده بنابراین جمله مجهول است (حذف گزینه‌های ۱ و ۲). چون زمان جمله دیگر گذشته است، باید نقطه‌چین را با گذشته استمراری کامل کنیم. (حذف گزینه ۴).

۷۴. گزینه «۱» حال و حوصله زنان جوان در این حراجی (بازار فروش) که چند هفته قبل از اتمام جشنواره سال تشکیل شده بود، عشق آن‌ها به کالاهای لوکس را نشان می‌دهد. مفعول فعل show بعد از نقطه‌چین آمده، بنابراین جمله معلوم است و باید گزینه ۱ را انتخاب کنیم.

۶۲. گزینه «۳» پسرم خیلی خوشحال است چون شب گذشته در تولدش هدایای زیادی به او داده شد. با توجه به ترجمه، جمله مجهول است (حذف گزینه‌های ۱، ۲ و ۴).

۶۳. گزینه «۳» دوچرخه‌ام دزدیده شده است. امن می‌خواهم به پلیس زنگ بزنم.

مفعول فعل steal (دزدیدن) بعد از نقطه‌چین نیامده بنابراین جمله مجهول است (حذف گزینه‌های ۱ و ۲). چون زمان اندکی از انجام عمل می‌گذرد باید از زمان حال کامل استفاده کنیم (حذف گزینه ۴).

۶۴. گزینه «۱» متخصصان برق، زنگ هشدار استعمال دخانیات جدید را آزمایش کردند.

با توجه به ترجمه، باید از ساختار معلوم استفاده کنیم. تنها گزینه ۲، ساختار معلوم دارد.

۶۵. گزینه «۴» او قول داد که پنجره‌ها تا هفته آینده کاملاً تمیز خواهند شد.

مفعول فعل clean (تمیز کردن) بعد از نقطه‌چین نیامده، بنابراین جمله، مجهول است (حذف گزینه‌های ۱ و ۳). قید next به زمان آینده اشاره دارد و به همین دلیل باید از زمان آینده استفاده کنیم (حذف گزینه ۲).

۶۶. گزینه «۲» تبدیل زباله به انرژی می‌تواند یکی از مفیدترین روش‌ها برای ذخیره منابع زمینی در نظر گرفته شود.

با توجه به ترجمه، جمله مجهول است و فقط گزینه ۲ ساختار مجهول دارد.

۶۷. گزینه «۴» نمی‌توانید اسب‌ها را ببینید، هم‌اکنون صاحبانشان در حال غذا دادن به آن‌ها هستند.

مفعول فعل feed (غذا دادن) بعد از نقطه‌چین نیامده، بنابراین جمله، مجهول است (حذف گزینه‌های ۱ و ۲). now نشانه زمان حال استمراری است، بنابراین باید از مجهول حال استمراری استفاده کنیم (حذف گزینه ۳).

۶۸. گزینه «۳» هفته گذشته، نشست مهمی برگزار شد و شماری از پیشنهادات ارائه گردید.

مفعول فعل suggest (پیشنهاد کردن) بعد از نقطه‌چین نیامده، بنابراین جمله مجهول است و فقط گزینه ۳ مجهول است.



186. In a basketball game, Hamid and Hamed .....

- 1) hurt themselves very bad
- 2) hurt himself very bad
- 3) hurt himself very badly
- 4) hurt themselves very badly

187. The famous athlete was born in a small town ..... September 12<sup>th</sup>, 1980. (انسانی ۹۹)

- 1) on
- 2) at
- 3) in
- 4) for

188. Jumping out from behind the bushes, Carlos shouted at his ..... and laughed.

(خارج از کشور عمومی ۹۹)

- 1) frightened sister
- 2) sister frightened
- 3) sister to be frightened
- 4) frightening sister

189. The exercise did not seem to be as easy ..... I thought it would be. (تجربی ۹۹)

- 1) that
- 2) than
- 3) from
- 4) as

## انواع جمله، سؤالات کوتاه

**مشاوره** همه چیز در نهایت به جمله ختم می‌شود، پس آخرین جلسه مطالعاتی گرامر را به انواع جمله و سؤالات کوتاه اختصاص می‌دهیم. باز هم تأکید می‌کنم که حتی در این جلسه آخر هم به هیچ وجه به سراغ نکات خارج از کتاب نرفته‌ام و دقیقاً همان چیز را که برای کنکور لازم دارید، آموزش داده‌ام.

در زبان انگلیسی می‌توانیم جملات را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱ جمله ساده (درس ۱ سال یازدهم)

۲ جمله مرکب (درس ۱ سال دوازدهم)

۳ جمله پیچیده

### جمله ساده (درس ۱ سال یازدهم)

به جمله‌ای که حداقل یک فاعل و فعل دارد جمله ساده می‌گویند.

e.g I worked.

فعل فاعل

من کار کردم.

**حواست باشه که** جمله ساده می‌تواند مفعول، قید حالت، قید مکان، قید زمان و قید تکرار هم داشته باشد،

بنابراین فرمول زیر را حفظ کنید:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

e.g I study chemistry carefully in the library on Fridays.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل فاعل

**حواست باشه که** قیدهایی تکرار (always, usually, sometimes, ...) می‌توانند در سه جایگاه به کار روند:

۱ قبل از فعل اصلی ۲ بعد از فعل to be ۳ بین فعل کمکی و اصلی

## جلسه دوم واژگان

۱۰

## addiction (n.)

اعتیاد

- Doctors say: “**addiction** is an illness.”

- دکترها می‌گویند: “اعتیاد، یک بیماری است.”

## ancient (adj.)

باستانی

- Our **ancient** culture is very valuable.

- فرهنگ باستانی ما، خیلی با ارزش است.

## attack (n.) (v.)

۱. حمله ۲. حمله کردن

- The virus **attacks** specific cells in the brain.

- ویروس به سلول‌های خاصی در مغز، حمله می‌کند.

## born (v.)

به دنیا آمدن

- Ferdowsi was **born** in a village near Toos.

- فردوسی در یک روستا، نزدیک توس، به دنیا آمد.

## century (n.)

قرن

- Our **century** is the time of technology.

- قرن ما، عصر تکنولوژی است.

## consume (v.)

۱. مصرف کردن ۲. غذا خوردن

- The new lights **consume** less electricity.

- لامپ‌های جدید، برق کم‌تری مصرف می‌کنند.

## contain (v.)

دربرداشتن، حاوی... بودن

- Canned food may **contain** disease causing bacteria.

- غذای کنسروی ممکن است حاوی باکتری‌های بیماری‌زا باشد.

## continent (n.)

قاره

- Asia is the largest **continent** of the world.

- آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است.

## craftsman (n.)

صنعتگر

- Iranian **craftsmen** and craftswomen are hard-working people.

- صنعتگران مرد و زن ایرانی، افراد سخت‌کوشی هستند.

**decorative** (adj.)

تزیینی، زینتی

■ I bought a **decorative** wall clock.

■ من یک ساعت دیواری تزیینی خریدم.

**diversity** (n.)

تنوع، گوناگونی

■ This island has more **diversity** in plant life than other islands nearby.

■ این جزیره نسبت به سایر جزایر اطراف، تنوع زندگی گیاهی بیشتری دارد.

**drop** (n.) (v.)

۱. قطره ۲. انداختن

■ I felt a **drop** of rain on my face.

■ من یک قطره باران روی صورتم احساس کردم.

**entry** (n.)

۱. مدخل ۲. ورود

■ His friends were surprised by his **entry** to politics.

■ دوستانش با ورود او به سیاست، شگفت‌زده شدند.

**exist** (v.)

وجود داشتن

■ I don't think ghosts **exist**.

■ من فکر نمی‌کنم که ارواح وجود داشته باشند.

**feel weak**

احساس ضعف کردن

■ He has the flu and **feels weak**.

■ او سرما خورده است و احساس ضعف می‌کند.

**figure out** (v.)

۱. فهمیدن ۲. کشف کردن

■ He was trying to **figure out** why the camera wasn't working.

■ او داشت تلاش می‌کرد تا بفهمد چرا دوربین کار نمی‌کند؟

**forest** (n.)

جنگل

■ The children got lost in the **forest**.

■ بچه‌ها در جنگل گم شدند.

**fossil fuels**

سوخت‌های فسیلی

■ The use of **fossil fuels** should be stopped.

■ استفاده از سوخت‌های فسیلی باید متوقف شود.

**habit** (n.)

عادت

■ Little children like to eat chocolate every day. It is a bad **habit**.

■ بچه‌های کوچک دوست دارند هر روز شکلات بخورند. این عادت بدی است.





## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



55. Sarah ..... as loud as she could so that she could be heard over the other members of the welcoming party for the boat.  
1) met                      2) invented                      3) shouted                      4) born
56. The new digital technology makes it possible for deaf and ..... of hearing patrons to enjoy the movies without the need for assistive devices.  
1) slow                      2) hard                      3) difficult                      4) strong
57. Next month, Alferedo and his wife will travel to Iran. They will go to Tooran ..... to see animals.  
1) Plan                      2) Plain                      3) Plant                      4) planet
58. Scientists are ..... research into the effects of smoking on brain damage. (هنر ۹۴)  
1) making                      2) acting                      3) taking                      4) doing
59. I completely agree with Joe when he says that humans are ..... with special ability to learn.  
1) born                      2) polluted                      3) hugged                      4) contained
60. When you need someone to listen, I'll be there. When you need a ....., I'll be there. When you need someone to hold your hand, I'll be there.  
1) drop                      2) success                      3) symbol                      4) hug
61. She burnt herself when she accidentally dropped her coffee in her ..... while driving.  
1) lap                      2) diary                      3) tool                      4) metal
62. The education offered beyond high school, especially at a college or university, is technically known as ..... education. (ریاضی ۹۸)  
1) higher                      2) creative                      3) advanced                      4) intermediate
63. Bill was among the first to gain ..... to Buckingham palace when it opened to the public recently.  
1) entry                      2) weight                      3) hope                      4) serving
64. The Olympic ..... is made up to five rings, standing for the continents of Europe, Asia, Australia, and North America.  
1) plain                      2) symbol                      3) forest                      4) pyramid
65. Different types of abbreviations are often used in the definitions for a word. This can be confusing if you do not know what the abbreviations ..... .  
1) feel weak                      2) figure out                      3) stand for                      4) shout at
66. They are hoping to ..... their current training workshop into a large educational center.  
1) convert                      2) magnify                      3) reflect                      4) receive (انسانی ۹۸)
67. We now use half of our ..... fuel to light, heat and cool buildings and we should do something about it.  
1) fossil                      2) renewable                      3) kinetic                      4) mechanic



<b>rarely</b> (adv.)	<b>به ندرت</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>This method is <b>rarely</b> used in modern laboratories.</li> </ul> <p>این شیوه، به ندرت در آزمایشگاه‌های مدرن استفاده می‌شود.</p>	
<b>recommend</b> (v.)	<b>توصیه کردن، سفارش کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>I <b>recommend</b> this book to anyone with an interest in chemistry.</li> </ul> <p>من این کتاب را به هر کسی که به شیمی علاقه‌مند است، توصیه می‌کنم.</p>	
<b>regard</b> (n.) (v.)	<b>۱. توجه، ملاحظه ۲. ملاحظه کردن ۳. توجه کردن ۴. نگرستن ۵. قلمداد کردن، در نظر گرفتن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>His parents always <b>regarded</b> her as the smartest of their children.</li> </ul> <p>والدینش همیشه او را به عنوان باهوش‌ترین فرزندشان در نظر گرفتند.</p>	
<b>remind</b> (v.)	<b>یادآوری کردن، به خاطر آوردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>I called Jane and <b>reminded</b> her that the conference had been cancelled.</li> </ul> <p>من با جین تماس گرفتیم و به او یادآوری کردم که کنفرانس کنسل شده بود.</p>	
<b>rocky</b> (adj.)	<b>سنگی، سنگلاخ</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>Some areas on the Earth are <b>rocky</b>.</li> </ul> <p>بعضی از مناطق در روی کره زمین، سنگی هستند.</p>	
<b>spare no pains</b> (v.)	<b>از هیچ کاری مضایقه نکردن / دریغ نکردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>We will <b>spare no pains</b> to support you.</li> </ul> <p>ما برای حمایت از شما، از هیچ کاری دریغ نخواهیم کرد.</p>	
<b>suggestion</b> (n.)	<b>پیشنهاد، توصیه</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>Please send comments and <b>suggestions</b> to our post office.</li> </ul> <p>لطفاً نظرات و پیشنهادات را به صندوق پستی ما بفرستید.</p>	
<b>suppose</b> (v.)	<b>۱. فکر کردن ۲. تصور کردن ۳. حدس زدن ۴. فرض کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>Susan didn't answer her phone, so I <b>suppose</b> that she's busy.</li> </ul> <p>سوزان تلفنش را جواب نداد، بنابراین حدس می‌زنم که او گرفتار است.</p>	
<b>surprisingly</b> (adv.)	<b>به طور شگفت‌آوری</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>The exam was <b>surprisingly</b> easy.</li> </ul> <p>امتحان به طور شگفت‌آوری آسان بود.</p>	
<b>temperature</b> (n.)	<b>۱. دما، درجه حرارت ۲. تب</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>His body <b>temperature</b> is high.</li> </ul> <p>دمای بدن او بالا است.</p>	
<b>touching</b> (adj.)	<b>تأثیرگذار</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>The way she took care of her little sister was really <b>touching</b>.</li> </ul> <p>شیوه‌ای که او از خواهر کوچکش مراقبت کرد واقعاً تأثیرگذار بود.</p>	

<b>cheerful</b> (adj.)	<b>خوشحال</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>She managed to stay <b>cheerful</b> despite everything.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>علی رغم همه چیز، او موفق شد خوشحال بماند.</li> </ul>
<b>choose</b> (v.)	<b>انتخاب کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>I often has trouble <b>choosing</b> what should I wear for party.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>من اغلب در انتخاب کردن لباس برای مهمانی دچار مشکل می‌شوم.</li> </ul>
<b>clear</b> (adj.) (v.)	<b>۱. واضح، تمیز ۲. تمیز کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>The weather was good and <b>clear</b> on Friday.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>روز جمعه، هوا خوب و تمیز بود.</li> </ul>
<b>compare</b> (v.)	<b>مقایسه کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>Scientists <b>compared</b> the results of both experiments.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>دانشمندان نتایج هر دو آزمایش را مقایسه کردند.</li> </ul>
<b>delicious</b> (adj.)	<b>خوشمزه</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>The addition of fruit to cake makes it more <b>delicious</b>.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>افزودن میوه به کیک، آن را خوشمزه‌تر می‌کند.</li> </ul>
<b>desert</b> (n.)	<b>بیابان، صحرا</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>They were lost in the <b>desert</b> for nine days.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>آن‌ها ۹ روز در بیابان گم شدند.</li> </ul>
<b>destination</b> (n.)	<b>مقصد</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>The package reached its <b>destination</b> two days later.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بسته دو روز بعد، به مقصدش رسید.</li> </ul>
<b>donate</b> (v.)	<b>اهدا کردن</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>We <b>donated</b> our old clothes to charity.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ما لباس‌های قدیمی‌مان را به خیریه دادیم (اهدا کردیم).</li> </ul>
<b>emphasis</b> (n.)	<b>تأکید</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>English schools put <b>emphasis</b> on grammar rather than speaking.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>مدارس زبان، بر گرامر، بیشتر از مکالمه تأکید می‌کنند.</li> </ul>
<b>energetic</b> (adj.)	<b>پرانرژی، فعال</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>She has an <b>energetic</b> personality.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>او شخصیت پرانرژی‌ای دارد.</li> </ul>

- 303.** The art of producing beautiful writing using special pens or brushes, or the writing produced this way is called .....
- 1) calligraphy      2) tile work      3) poem      4) poetry
- 304.** The ..... of Iran has first been partly described by Hamdallah Mustawfi in the 14th century who only referred to animals.
- 1) desert      2) wildlife      3) plain      4) forest
- 305.** Buying that house seemed a great ..... at that time, but now I can see it was a terrible mistake.
- 1) peace      2) idea      3) event      4) value
- 306.** Because dogs and humans are more ..... than different we should treat dogs more like we would want to be treated ourselves.
- 1) alike      2) foreign      3) strange      4) clear
- 307.** In warmer weather the food, especially ..... vegetables and fruit, may need to be replaced more than twice a day.
- 1) unhealthy      2) ancient      3) fresh      4) fatty
- 308.** Last month an elderly couple were left homeless when fire fighters were forced to ..... water from a nearby river after their house caught fire in the middle of the night.
- 1) prepare      2) pump      3) carry      4) donate
- 309.** The man I spoke to on the telephone was ..... as to how much firewood we actually needed to bring.
- 1) cheerful      2) unclear      3) energetic      4) powerful
- 310.** If you travel across Iran, you'll get back home with excellent ..... and souvenirs for your family and friends.
- 1) handicrafts      2) groceries      3) artifacts      4) attitudes
- 311.** Many people who have a deadly illness ..... to spent their remaining days at home with the people they know and love.
- 1) sign      2) prepare      3) exercise      4) choose
- 312.** If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic ..... for only 30 dollars.
- 1) carpet      2) rug      3) plan      4) tile
- 313.** Kinetic learners are students who learn better when they are allowed to be .....
- 1) cheerful      2) emotional      3) active      4) sociable (ریاضی ۹۹)
- 314.** The Innu language of Northern Quebec has no ..... for the word music because for them, music is everywhere, in every living thing. (خارج از کشور انسانی ۹۹)
- 1) issue      2) emotion      3) pleasure      4) equivalent

۲۸. گزینه «۴» این یک رسم در ژاپن است که وقتی به خانه کسی می‌روید، کفش‌هایتان را در بیابورید.

- (۱) هویت  
(۲) جایگزینی  
(۳) جامعه  
(۴) سنت، رسم

۲۹. گزینه «۳» هویت جسدی که گم شده بود با لباس‌هایی که پوشیده بود، مورد تایید قرار گرفت.

- (۱) فعالیت  
(۲) تنوع  
(۳) هویت  
(۴) گوناگونی

۳۰. گزینه «۱» هنر چیزی است که مردم با تخیل و مهارت خلق می‌کنند. هنر به عنوان بخشی از فرهنگ، شیوه زندگی و هویت یک ملت را نشان می‌دهد و پیشینه و تاریخ یک جامعه را منعکس می‌کند.

- (۱) منعکس کردن  
(۲) دوباره نوشتن  
(۳) تکرار کردن  
(۴) متغیر بودن، دامنه داشتن

۳۱. گزینه «۳» شادترین افراد کسانی نیستند که بهترین چیزها را داشته باشند بلکه آن‌هایی هستند که می‌توانند قدر زیبایی‌های زندگی را بدانند.

- (۱) معرفی کردن  
(۲) مرتب کردن، قرار دادن  
(۳) قدردانی کردن  
(۴) بخشیدن

۳۲. گزینه «۱» من درک نمی‌کنم چرا آن‌ها به جای تو، او را انتخاب کرده‌اند. تو صلاحیت بیشتری برای این کار داری.

- (۱) به جای  
(۲) علاوه بر  
(۳) علی‌رغم  
(۴) بدون

۳۳. گزینه «۲» من فکر نمی‌کنم شما احساس سلامتی کنید، مگر این که مطمئن شوید بدنتان تمامی مواد مغذی را که نیاز دارد، دریافت می‌کند.

- (۱) زنده  
(۲) سالم  
(۳) ضعیف  
(۴) مطمئن

۳۴. گزینه «۴» وکیل وی با گفتن این که زمان دزدی بانک، وی در خانه خوابیده بود، از او دفاع کرد.

- (۱) حمل کردن  
(۲) جمع‌آوری کردن  
(۳) تعریف کردن  
(۴) دفاع کردن

۳۵. گزینه «۱» محققان، مکان‌های متعدد دیگری را که ملت اینکلی در آن‌ها زندگی می‌کردند، جستجو کردند تا بتوانند اطلاعات بیشتری را در باره آن‌ها جمع‌آوری کنند.

- (۱) جمع‌آوری کردن  
(۲) دفاع کردن  
(۳) توسعه دادن  
(۴) توصیف کردن

۳۶. گزینه «۱» با دانستن این حقیقت که هنوز حلما به اندازه کافی احساس سلامتی به دست نیاورده، پزشکان از اعضای خانواده او خواستند تا او را تشویق کنند چند روز دیگر در بیمارستان بماند.

- (۱) حقیقت  
(۲) توانایی  
(۳) موفقیت  
(۴) ترکیب

۳۷. گزینه «۱» فراهم کردن جایی برای ماندن افراد بی‌خانمان در فصل سرد، مشکلات اصلی را حل نمی‌کند.

- (۱) حل کردن  
(۲) خلق کردن  
(۳) جلوگیری کردن  
(۴) بخشیدن

۳۸. گزینه «۳» در سال ۱۶۳۸، گالیله کتاب مهم دیگری را با عنوان «گفتمان دو علم نوین» منتشر کرد. کتابی که ایده‌هایش را مبنی بر علم نوین مکانیک بیان نمود و بعدها توسط نیوتن توسعه یافت.

- (۱) متغیر بودن  
(۲) تبدیل کردن  
(۳) توسعه دادن  
(۴) فرق داشتن

۳۹. گزینه «۱» بسیار غیراخلاقی است که به عقاید مذهبی و باورهای سیاسی مردم، احترام نگذاریم.

- (۱) اعتقاد  
(۲) احساس  
(۳) موفقیت  
(۴) علم، دانش

۴۰. گزینه «۱» زنان تمایل دارند که در صورتی که تنها کار می‌کنند، زود به نتیجه برسند و هنگامی که پیشرفت واقعی را ببینند، در عرض چند هفته کار را ترک می‌کنند.

- (۱) ترک کردن  
(۲) تشکیل دادن  
(۳) مصرف کردن  
(۴) بزرگ شدن

۴۱. گزینه «۳» برخی از پزشکان نگران این هستند که در آینده، بسیاری از مردم از مشکلات سلامتی ناشی از استفاده از تلفن همراه رنج ببرند.

- (۱) زندگی  
(۲) گذشته  
(۳) آینده  
(۴) حال

۴۲. گزینه «۲» هنوز سرگرمی‌های زیادی مثل سینما برای افراد جوان در برخی شهرهای کوچک، وجود ندارد.

- (۱) توسعه  
(۲) سرگرمی  
(۳) محیط، محیط زیست  
(۴) ارتباط



کلوزتست (Cloze Test)

6. 1) this organ is developing                      2) this organ develops  
       3) developing of this organ                    4) the development of this organ
7. 1) used                      2) we used                      3) were used                      4) have been used
8. 1) serve                      2) improve                      3) identify                      4) receive
9. 1) expanded                      2) replaced                      3) saved                      4) ranged
10. 1) skill                      2) care                      3) space                      4) addiction

**3** Fossil analysis shows that at least five periods in the last 600 million years .....(11)..... a drastic reduction in the number of species of plants and animals on the Earth. However, on previous occasions such changes were .....(12)..... by asteroids or dramatic climatic changes. Scientists in general believe that this .....(13)..... is the work of man. The dominance of a single species type, homo sapiens, is badly hurting the rest of .....(14)..... . With a population of barely six billion, humans are rapidly .....(15)..... irreplaceable ecosystems. This sixth round of global dying of species could be far larger than the first five. (تجربی ۹۹)

11. 1) have seen                      2) was seen                      3) see                      4) saw
12. 1) fixed                      2) caused                      3) avoided                      4) endangered
13. 1) factor                      2) origin                      3) ability                      4) reduction
14. 1) the living world                      2) world's life  
       3) the life of world                      4) the world life
15. 1) generating                      2) leaving                      3) destroying                      4) expanding

**توضیحات** جمله اول مستن کلوزتست خیلی مهم است، زیرا با خواندن آن به درکی از مفهوم کلوزتست می‌رسید که در پاسخ دادن به سوالات می‌تواند کمک شایانی به شما بکند.

**4** It is surprising to realize how popular fast food has become .....(16)..... the first fast food restaurant opened 100 years ago. Since then, high-calorie processed meals have spread all over the world, with multinational restaurant chains quickly experiencing .....(17)..... that show no signs of slowing down. Much of this .....(18)..... is currently taking place in less developed parts of the world, where potential for customer loyalty is seen as easier to develop, but it is not just in these areas where such growth is .....(19)..... . Indeed, a recent study found that such an increase also happened in Europe where the number of takeaways .....(20)..... by 45 per cent between 1997 and 2015. (انسانی ۹۹)

**توضیحات** شاید بتوان گفت مهم‌ترین روش در پاسخگویی به سوالات کلوزتست، روش رد گزینه است. پس این روش را خیلی جدی بگیرید.



16. 1) for                      2) in                      3) one of                      4) since
17. 1) growth level                      2) growth of level  
3) levels of growth                      4) growth in level
18. 1) expansion    2) improvement    3) likelihood    4) inspiration
19. 1) exact                      2) visible                      3) tiny                      4) uncertain
20. 1) hit                      2) took                      3) rose                      4) left

**5** Some people go shopping more regularly than other people to look at products in shops even when they do not have much money. This is known as window shopping and .....(21)..... people to plan ahead and save for the things .....(22)..... or wait for the items to drop in price. Some people spend a lot of time looking for bargains while others do not .....(23)..... the price and are happy to spend a lot. Some people believe that the more expensive the item, the better the .....(24)....., but this is not always true. It is reasonable to buy .....(25)....., but some people use a credit card or borrow money from the bank so that they can buy the items they really want rather than wait for it. (خارج از کشور عمومی ۹۹)

21. 1) allows                      2) improves                      3) attempts                      4) provides
22. 1) to buy they want in the future    2) they want in the future buy  
3) they want to buy in the future    4) which in the future want they to buy
23. 1) figure out    2) get along with    3) look after    4) think of
24. 1) economy    2) quality                      3) image                      4) origin
25. 1) affordable items that are                      2) items which are affordable  
3) affordable items they are                      4) which items are affordable

**6** In many companies, perhaps the best way to do certain new projects is to put a group of people together .....(26)..... .Having a team of people attack a project .....(27)..... several advantages or positive points. First of all, a group of people has a wider .....(28)..... of knowledge, expertise, and skills than any single group .....(29)..... is likely to have. Also, because of the numbers of people

**توضیحات** برای پاسخگویی به سؤالات

واژگانی کلوزتست نکات زیر را بخوانید:

A: بینید آیا سؤال از جنس وابسته است یا مستقل. منظور از وابسته بودن سؤال این است که برای پاسخگویی به آن سؤال به خواندن جملات قبل و یا بعد احتیاج داریم و منظور از سؤال از جنس مستقل این است که برای پاسخگویی به آن، فقط خواندن همان جمله کفایت می‌کند.

**توضیحات** B: اگر سؤال از جنس وابسته

باشد، باید جملات قبل و یا بعد از نقطه‌چین را بخوانید تا بتوانید پاسخ را پیدا کنید.



## ۳۶. گزینه «۲»

**توضیح** با توجه به کلمه ربط همپایه‌ساز and که ترکیب‌های مشابه را به هم وصل می‌کند، باید از یک ترکیب اسمی بعد از آن استفاده کنیم، چون قبل از and نیز از ترکیب اسمی استفاده شده است.

## ۳۷. گزینه «۳»

- (۱) کشیدن  
(۲) پرتاب کردن  
(۳) دربرداشتن، داشتن  
(۴) طلوع کردن، بالا آمدن

## ۳۸. گزینه «۱»

- (۱) دریافتن، پی بردن  
(۲) دنبال معنی واژه در فرهنگ لغت گشتن  
(۳) توجه کردن  
(۴) پذیرش شدن

## ۳۹. گزینه «۱»

**توضیح** با توجه به مفهوم جمله پیشین، تنها در گزینه «۱» ترتیب اجزای جمله به‌درستی رعایت شده است.

## ۴۰. گزینه «۳»

- (۱) قطره  
(۲) عامل  
(۳) وسیله، روش  
(۴) ارتباط

**توضیح** با توجه به فعل use که در ادامه آمده، حتماً گزینه means جواب است و گزینه factor رد می‌شود.

۹ همان‌طور که می‌دانید، یک کامپیوتر برای این‌که برنامه‌ها را اجرا کند، به سیستم عامل نیاز دارد. وقتی اغلب مردم دربارهٔ اولین سیستم عامل‌هایی که برای رایانهٔ شخصی توسعه داده شدند، فکر می‌کنند؛ ممکن است نام مایکروسافت یا بیل گیتس به ذهن بیاید. در واقع حقیقت چیز دیگری است.

در اواخر دههٔ هفتاد، مردی در سیاتل بود که تیم پترسون نام داشت. او برای شرکتی با نام سیاتل کامپیوتر کار می‌کرد. او یک برنامه‌نویس کامپیوتر بود و به یک سیستم عامل برای کامپیوترش نیاز داشت. پترسون از انتظار برای

کاملاً باز است. بچه‌هایم، کامپیوترهایشان را روشن رها کرده و بیرون می‌روند و در گوشه‌ای دیگر، شارژرهای موبایلشان به برق است. بدون این‌که گوشی به آن‌ها وصل باشد. این همه اسراف چه چیزی را نشان می‌دهد؟

## ۳۱. گزینه «۴»

**توضیح** با چراغ‌هایی که تمام شب روشن گذاشته می‌شود: that are left on  
در ادامهٔ جمله نیز طراح دوباره از این ترکیب استفاده کرده است: towels that are used

## ۳۲. گزینه «۱»

**نکته** بعد از صفات مانند better باید از مصدر با to استفاده کنیم.

## ۳۳. گزینه «۱»

- (۱) وزیدن  
(۲) تولید کردن  
(۳) عبور کردن  
(۴) افزایش دادن

## ۳۴. گزینه «۴»

**نکته** ترکیب «cooling cabinet» به معنی «یخچال صنعتی» است.

## ۳۵. گزینه «۲»

**نکته** ترکیب «leave sth on» به معنی «روشن گذاشتن» است.

۸ توصیه می‌شود والدین، پیش از دبستان و در اوایل دوران ابتدایی، برای فرزندان خود کتاب بخوانند. وقتی آن‌ها از روی کتاب‌های داستانی، کتاب‌های تصویری از نوع خوبش و مجله‌های کودکان برای کودک کتاب بخوانند، او یاد می‌گیرد که کتاب، مجله و روزنامه مطالب مورد علاقه و سرگرم‌کننده‌ای برای او به همراه دارد. وی همچنین درمی‌یابد که این «چیز» که از آن لذت می‌برد کاملاً با نمادهای سیاه و سفید مرتبط است که این نمادها تنها وقتی رمزگشایی می‌شوند که فرد قادر به خواندن باشد. این آگاهی و علاقه، ابزاری را شکل می‌دهد تا او بتواند از آن استفاده کند و به سوی یادگیری جهت خواندن در مدرسه جهش کند.





درک مطلب (Reading)

**12. The author's purpose of saying, "There's no magic pill or vaccine", is to emphasize the fact that .....**

- 1) getting over culture shock is not easy and takes time and effort
- 2) even doctors cannot help the students who suffer from culture shock
- 3) medical doctors have not yet found a way to help those who are culturally shocked
- 4) becoming successful in a foreign country becomes a reality only if foreigners work hard

**4 Efforts to explain how the pterosaurs became able to fly have led to suggestions that they launched themselves by jumping from cliffs, by dropping from trees, or even by rising into light winds from the crests of waves. Each explanation has its difficulties.**

The first wrongly assumes that the pterosaurs' hind feet were similar to those of a bat and could serve as hooks by which the animal could hang in preparation for flight.

The second explanation seems unlikely because large pterosaurs could not have landed in trees without damaging their wings. The third calls for high waves to make flying possible. The wind that made such waves, however, might have been too strong for the pterosaurs to control their flight once airborne.

(خارج از کشور عمومی ۹۹)

**13. What question is the passage mainly concerned with?**

- 1) What was the first bird?
- 2) Did the pterosaurs ever exist?
- 3) What made the pterosaurs be able to fly?
- 4) Why is our knowledge of the past so unclear?

**14. The word "those" in the passage refers to .....**

- 1) feet
- 2) difficulties
- 3) explanations
- 4) pterosaurs

**15. Which of the following best describes the author's attitude towards the three explanations offered in the passage?**

- 1) Excited
- 2) Shocked
- 3) Confused
- 4) Uncertain

**16. Which of the following statements, if true, would decrease the force of the reason brought in against the second ..... explanation?**

- 1) The pterosaurs always landed on the ground.
- 2) The pterosaurs were too big to be able to land at all.
- 3) The pterosaurs laid eggs in remote areas far from dense forests.
- 4) The pterosaurs' anatomy is not as much investigated as it has to.

**توضیحات** یادتان باشد که از سؤالات ساده

شروع کنید به جواب دادن و سپس به سراغ سؤالات سخت‌تر بروید. مثلاً سؤالات واژگانی و مرجع ضمیر نسبت به سایر سؤالات ساده‌تر هستند.



## ۲۴ سراسری زبان ۹۹

### PART A Grammar and Vocabulary

1. When you go to university or college you may be surprised by the amount ..... to do.
  - 1) to read and expect it
  - 2) of reading you are expected
  - 3) you expect to read it and
  - 4) in reading when you expect
2. In the past two decades, libraries ..... the difficult task of making faithful digital copies of the books, images and recordings that keep the intellectual effort of humankind.
  - 1) began
  - 2) would begin
  - 3) were begun
  - 4) have begun
3. Dolphins lack vocal cords but they have a large, oil-filled organ called the “melon”, ..... they can produce a variety of sounds.
  - 1) that
  - 2) which
  - 3) with which
  - 4) that by it
4. Modern motorcycles are lighter, faster, ..... than motorcycles of thirty years ago.
  - 1) more efficient
  - 2) or as efficient
  - 3) and efficient
  - 4) and more efficient
5. If they know the cause of the problem, they might be able to ..... how to prevent it happening again.
  - 1) keep on
  - 2) figure out
  - 3) care for
  - 4) take part in
6. .... a topic you are reading about in a second language makes it easier to guess the meaning of new vocabulary.
  - 1) Ability of
  - 2) Diversity in
  - 3) Familiarity with
  - 4) Uncertainty about
7. It is unbelievable that we human beings do not seem to attach as much importance as we should to the ..... effect our activities have on the ozone layer.
  - 1) natural
  - 2) invisible
  - 3) unique
  - 4) harmful
8. Parent Network believes that parenting can be learned, and that improved communication can do ..... for family happiness.
  - 1) gifts
  - 2) wonders
  - 3) treasures
  - 4) functions
9. I am happy to be in an international conference among a group of ..... professors in my field from all over the world.
  - 1) distinguished
  - 2) reflected
  - 3) identified
  - 4) magnified
10. We sometimes wrongly ..... brief people as less capable than those who talk a lot.
  - 1) remind
  - 2) respect
  - 3) regard
  - 4) compare
11. Studies have shown that people who include ..... amounts of fruits and vegetables in their daily diets have lower rates of cancers.
  - 1) available
  - 2) different
  - 3) generous
  - 4) intermediate

44. Which of the following best describes the structure of the information in the passage?
- 1) A goal is set and its effects are described one after another.
  - 2) An approach is introduced and the steps involved in it are mentioned.
  - 3) A claim is made and evidence to show that the claim is wrong is offered.
  - 4) A problem is referred to and the possible solutions to get rid of it are listed.
45. The passage suggests that when exam time is close if a student asks his/her teacher, "What's on the test?", that student .....
- 1) is on the wrong path
  - 2) shows he/she is anxious
  - 3) will not receive a response
  - 4) would make the teacher disappointed
46. The phrase "these points" in the passage refers to the points .....
- 1) included in key information
  - 2) one has failed to take a look at
  - 3) of material other than class materials
  - 4) one has not been able to comprehend

**2** To start with, we cannot go on using oil for ever. We can do so for a few more decades - perhaps until 2070, then it will run out. There will be none left - or at least, there will be hardly any left.

At present, there is still plenty of oil under the ground. There is oil under the North Sea and under the Atlantic Ocean. Engineers keep finding new sources of oil. But there are some realities which cannot be avoided. The quantity of oil under the ground and under the sea is not infinite. It will not last for ever. As oil becomes rarer, it will become harder to extract. It will also become more and more expensive. It will, therefore, become more expensive than other fuels. Oil will always cause pollution. Of course, there are also other truths: Scientists are making new forms of oil, using plants. Most of the oil that we eat comes from plants; and it is sometimes possible to make petrol from this oil. For instance, some types of diesel-fuel already contain sun-flower oil.

Sun-flower oil is cleaner than mineral oil, so it causes less pollution. But perhaps in the long term, vegetable oils are not a good solution for the future; in the future we may need all the land for producing food.

In reality, the future will have to be a future without oil - or with very little oil. Scientists are already developing cars, houses and plastics that do not use oil. Electricity will be the energy of the future, but it will have to be clean electricity.

47. The phrase "run out" in paragraph 1 is closest in meaning to .....
- 1) appear
  - 2) lower
  - 3) end
  - 4) exist
48. The passage suggests that at present oil .....
- 1) can meet human needs for energy
  - 2) is too hard to get from under the ground
  - 3) can be found under the seas and oceans more
  - 4) is located more under the ground than under the oceans



## لغات خارج از کتاب

<b>administration (n.)</b>	اداره (امور، سرپرستی)
<b>admission (n.)</b>	ورود، پذیرش
<b>admit (v.)</b>	۱. پذیرفتن ۲. اعتراف کردن به / که
<b>adolescent (n.)</b>	نوجوان، جوان
<b>adopt (v.)</b>	۱. [کودک] به فرزندی پذیرفتن ۲. [عقیده، روش] اقتباس کردن، اتخاذ کردن
<b>adult (n.), (adj.)</b>	۱. بالغ، بزرگسال ۲. (مربوط به) بزرگسالان
<b>advance (n.), (v.)</b>	۱. پیشرفت، ترقی ۲. پیشرفت کردن ۳. پیش رفتن
<b>advantage (n.)</b>	امتیاز، مزیت
<b>adventure (n.)</b>	ماجرا، ماجراجویی
<b>affair (n.)</b>	کار، مسئله
<b>affect (v.)</b>	اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن
<b>afford (v.)</b>	استطاعت (قدرت خرید) ... را داشتن، از عهده ... بر آمدن
<b>aim (n.), (v.)</b>	۱. هدف، مقصود، نشانه ۲. هدف‌گیری کردن، نشانه گرفتن
<b>aircraft (n.)</b>	هواپیما
<b>alarm (n.), (v.)</b>	۱. اختار، هشدار ۲. هراس، بیم، ترس ۳. ترساندن ۴. اعلام خطر کردن به
<b>alike (adj.)</b>	همانند، شبیه
<b>allowance (n.)</b>	اجازه دادن
<b>also pocket money</b>	پول تو جیبی
<b>alongside (prep.), (adv.)</b>	۱. به موازات، در کنار ۲. به موازات هم، در کنار هم
<b>alter (v.)</b>	۱. تغییر کردن، عوض کردن ۲. تغییر یافتن، عوض شدن
<b>amazing (adj.)</b>	شگفت‌آور، حیرت‌انگیز

<b>abandon (v.)</b>	۱. ترک کردن، رها کردن ۲. [نقشه و غیره] دست کشیدن از
<b>abnormal (adj.)</b>	غیر عادی، غیر طبیعی
<b>abroad (adv.)</b>	در خارج، به خارج، از خارج
<b>absence (n.)</b>	۱. غیبت ۲. فقدان، نبود
<b>abuse (n.), (v.)</b>	۱. سوءاستفاده ۲. سوءاستفاده کردن از
<b>academic (adj.)</b>	۱. دانشگاهی ۲. تحصیلی، آموزشی ۳. آکادمیک
<b>accent (n.)</b>	لهجه
<b>accommodation (n.)</b>	جا، منزل، اتاق
<b>accompany (v.)</b>	همراهی کردن، همراه ... بودن
<b>accountant (n.)</b>	حسابدار
<b>accurate (adj.)</b>	دقیق؛ درست
<b>accuse (v.)</b>	تهمت زدن به، متهم کردن
<b>acknowledge (v.)</b>	۱. اذعان کردن، قبول کردن ۲. به رسمیت شناختن
<b>acquire (v.)</b>	۱. [تجربه، پول] کسب کردن، به دست آوردن ۲. [دانش] آندوختن
<b>actor (n.)</b>	هنرپیشه، بازیگر (مرد)
<b>actress (n.)</b>	هنرپیشه زن، بازیگر زن
<b>addictive (adj.)</b>	اعتیادآور
<b>additional (adj.)</b>	اضافی، بیشتر
<b>address (v.)</b>	۱. مخاطب قرار دادن ۲. [نامه] نشانی نوشتن روی
<b>adequate (adj.)</b>	کافی، رضایت‌بخش
<b>adequately (adv.)</b>	به اندازه کافی
<b>adjust (v.)</b>	۱. تطبیق دادن، منطبق کردن؛ عادت کردن
<b>administer (v.)</b>	اداره کردن، سرپرستی کردن



<b>approach (v.), (n.)</b>	۱. نزدیک شدن به ۲. روش، شیوه
<b>approve (of) (v.)</b>	موافق ... بودن با ... موافقت کردن
<b>approximately (adv.)</b>	تقریباً، حدوداً
<b>archaeologist (n.)</b>	باستان‌شناس
<b>archaeology (n.)</b>	باستان‌شناسی
<b>architect (n.)</b>	معمار، آرشیتهکت
<b>architecture (n.)</b>	معماری
<b>argue (v.)</b>	۱. جَزَّوَبَحْث کردن ۲. استدلال کردن
<b>argument (n.)</b>	دعوا، مشاجره
<b>arithmetic (n.)</b>	اَلم، حساب
<b>armed (adj.)</b>	مسلح
<b>arrange (v.)</b>	۱. مرتب کردن، منظم کردن ۲. برنامه‌ریزی کردن
<b>arrangement (n.)</b>	۱. ترتیب ۲. توافق
<b>arrest (v.), (n.)</b>	۱. دستگیر کردن، بازداشت کردن ۲. بازداشت، جلب
<b>arrival (n.)</b>	ورود، رسیدن
<b>article (n.)</b>	۱. مقاله ۲. کالا، شیء
<b>artificial (adj.)</b>	مصنوعی، ساختگی، تصنعی
<b>artificially</b>	به طور تصنعی؛ [کالا و غیره] به طور ساختگی
<b>artist (n.)</b>	هنرمند
<b>assemble (v.)</b>	۱. [ماشین، دستگاه] مونتاژ کردن ۲. گرد هم آمدن، جمع شدن
<b>aspect (n.)</b>	جنبه، وجه، ابعاد
<b>assess (v.)</b>	ارزیابی کردن، تعیین کردن
<b>assignment (n.)</b>	تکلیف، وظیفه
<b>assist (v.)</b>	کمک کردن (به)، یاری رساندن (به)
<b>assistant (n.)</b>	دستیار
<b>associate (v.)</b>	(با هم) پیوند دادن، (به هم) ربط دادن

<b>ambition (n.)</b>	جاه‌طلبی، بلندپروازی، هدف
<b>ambulance (n.)</b>	آمبولانس
<b>analyse (BrE) (v.)</b> <b>(name analyze)</b>	تجزیه کردن، تحلیل کردن، بررسی کردن
<b>and so forth</b>	و به همین ترتیب، و غیره
<b>angel (n.)</b>	فرشته
<b>anger (n.)</b>	عصبانیت، خشم
<b>angle (n.)</b>	زاویه، گوشه
<b>anniversary (n.)</b>	سالگرد، سالروز
<b>announce (v.)</b>	اعلام کردن، اعلان کردن
<b>announcement (n.)</b>	اطلاعیه، اعلام
<b>annoy (v.)</b>	آزردن، اذیت کردن
<b>annual (adj.)</b>	سالانه، سالانه
<b>annually (adv.)</b>	به طور سالانه
<b>anticipate (v.)</b>	۱. انتظار داشتن، توقع داشتن ۲. پیش‌بینی کردن
<b>anticipation (n.)</b>	۱. انتظار ۲. پیش‌بینی
<b>antique (n.)</b>	۱. کهنه، قدیمی، باستانی ۲. عتیقه
<b>anxious (n.)</b>	مضطرب، نگران
<b>apology (n.)</b>	عذرخواهی، پوزش
<b>apparent (adj.)</b>	آشکار، معلوم، واضح
<b>application (n.)</b>	۱. تقاضا، درخواست ۲. استفاده، مصرف
<b>apply (v.)</b>	۱. درخواست دادن، تقاضا کردن ۲. به کار گرفتن
<b>appoint (v.)</b>	۱. منصوب کردن ۲. تعیین کردن، معین کردن
<b>appreciate (v.)</b>	۱. قدر... رادانستن ۲. متوجه... بودن
<b>appreciation (n.)</b>	۱. قدردانی ۲. فهم، شناخت